



حدیث روز

پیامبر اکرم (ص) :

لا تَشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يَضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ، وَ لا تَشَاوِرْ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْضِرُ بَكَ عَن غَايَتِكَ، وَ لا تَشَاوِرْ خَرِيسًا فَإِنَّهُ يَزَيِّرُ لَكَ شَرَّهُا.

با ترسو مشورت مکن؛ زیرا او راه حل مشکل را بر تو تنگ می‌کند و با بغیل مشورت مکن؛ زیرا او تو را از هدف باز می‌دارد و با آدم حریص مشورت مکن؛ زیرا او آزمندی را در نظرت نیکو جلوه می‌دهد.

استفاده ابزاری از رضا عطاران و بازیگران بفروش؛ ماجرای ویلایی که مخاطب را فراموش کرده‌است!



جایی جواد عزتی ابزار می‌شود تا «زخم‌کاری» دیده شود، جایی محمدرضا گلزار برای فیلم «شام عروسی» و حالا نوبت به رضا عطاران گیشه‌دار سابق سینما رسیده که این روزها کمتر توانسته است از خودش نقش متفاوت و کار جدیدی ارائه دهد. و پژمان جمشیدی به‌دنبال فتح گیشه است؛ اما به‌چه‌قیمتی! با محتوای فیلم، جذابیت بازیگری و کیفیت کارگردانی با پروپاگاندای رسانه‌ای! این مسئله مهمی است که؛ مخاطبان امروز به‌خاطر کیفیت محتوایی و ساخت فیلم‌ها از سوی کارگردانان از فیلم‌هایی همچون «فسیل» استقبال کردند یا به استقبالی «هتل» و فیلم تازه‌وارد - «ویلای ساحلی» - می‌روند یا محو هیاهوی رسانه‌ای می‌شوند؟

پاسخ به این سؤال شاید قدری مخاطبان را آگاه کند. چون پروپاگاندای فیلم‌ها و سریال‌ها امروز به‌سمتی فریبنده پیش می‌رود، به‌طورمثال، یکی دو ماه قبل از شروع فصل دوم «زخم‌کاری» مخاطبان را با بازگشت جواد عزتی برای استقبال از سریال آماده کردند اما به‌جز چند سکانس و لگو بازی‌های مالک، مخاطبان چیزی از او ندیدند تا چند دقیقه پایانی فصل دوم، البته کارگردان و نویسنده به‌گونه‌ای واکنش نشان دادند که تأسفیرانگیز بود.

واکنش مهدویان و همکار نویسنده‌اش ما را به این نتیجه رساند که گویا کارگردانان خوش‌نام هم بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی سینما متمرکز شده‌اند و مخاطب هیچ اولویتی ندارد، غرض از این نکته آن است که امروز با فیلمی در سینما روبه‌رویم

گودرزی: بنیاد خواستار تصویب قوانینی است که پیش‌بینی بار مالی و اجرایی دارد

معاونان بنیاد شهید و امور ایثارگران در اولین اجلاسیه مشترک مشاوران وزرا در دستگاه‌های اجرایی به سوالات کارگروه‌های بهداشت، فرهنگ و آموزش، حقوقی و مددکاری پاسخ دادند.

معاونان بنیاد شهید و امور ایثارگران در اولین اجلاسیه مشترک مشاوران وزرا در دستگاه‌های اجرایی به سوالات کارگروه‌های بهداشت، فرهنگ و آموزش، حقوقی و مددکاری پاسخ دادند.

محمود پاکدل، معاون مددکاری و مشارکت‌های مردمی بنیاد شهید و امور ایثارگران، به سوالات کارگروه مددکاری پاسخ داد و ضمن جمع‌بندی پایانی این اجلاسیه، گفت: اسم هایش ما در مسیر تحول است و ما به دنبال یافته‌های علمی و جدید هستیم، طبق ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه، به‌منظور جبران عقب‌ماندگی‌های استان‌های مناطق عملیاتی دفاع مقدس شرایطی ایجاد شد تا کارکنان ترغیب شوند در این مناطق خدمت‌رسانی کنند. همچنین برخی استان‌ها برای طرح سیاس با مشکلاتی مواجه هستند که لازم است این موضوع مورد توجه قرار بگیرد.

محمد میرزاییگی، معاون سلامت و توانمندسازی اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران به ارائه گزارش عملکرد این معاونت برای خدمت به ایثارگران پرداخت و به سوالات روسای کارگروه بهداشت پاسخ داد و گفت: والدین شهدا در

یک خبرهایی در آن وجود دارد اما دریغ از کمدی موقعیت یا حتی بداهه‌های خود این بازیگران در جریان دیالوگ‌گویی‌ها! این در حالی است که روزگاری در همین سینما، فیلم‌هایی روی پرده آمدند که سروپادشاه هنرمندی بازیگران، محتوای فیلمنامه و کارگردانی‌اش بوده است. شاید بتوان یکی از فیلم‌های کارگردان «ویلای ساحلی» را نام برد که عیاری سالی «بودن یا نبودن» درخشان را برای سینمای ایران ساخت. «عقاب‌ها» جزو پر فروش‌های تاریخ سینمای ایران است با حدود ۱۰ میلیون و ۱۵۰ هزار مخاطب و تنها فیلمی به‌شمار می‌رود که برای دو سال (۶۴ و ۶۵) به عنوان پر فروش‌ترین و پرمخاطب‌ترین فیلم سال رسید، بنابراین اگر با توجه به تورم، فروش فیلم را با قیمت بلیت ۲۰هزارتومانی سال ۱۳۹۹ محاسبه کنیم، به رقم افسانه‌ای ۲۰۲ میلیارد و ۹۱۵ میلیون و ۲۸۰ هزار تومان می‌رسیم.

با همین نگاه، «فعی»، دومین فیلم پرفروش تاریخ سینمای ما به حساب می‌آید. فیلم «محمدرضا اعلامی» طی ۸ سال اکران مستمر (۷۲ تا ۷۹) توانست ۶ میلیون و ۲۵۶ هزار و ۷۱۷ نفر را به سینما بکشاند. ارزش گیشه این فیلم طبق بلیت سال ۱۲۷،۰۹۹ میلیارد و ۱۳۴ میلیون و ۳۴۰ هزار تومان است. اما رفته رفته متأسفانه تنها رقم گیشه ملاک پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما قرار گرفت و به این ترتیب «مطرب» و «هزارپا» پیش از این و فیلم‌های تاریخ سینما قرار گرفت و به این ترتیب «مطرب» و «فسیل» و «هتل» به‌اشتباه در صدر این فهرست قرار گرفتند.

در حالی که فیلم‌هایی چون «خواستگاری» (۱۳۶۹)، «عروس» (۱۳۷۰)، «کلاه قرمزی و سپرخاله» (۱۳۷۳) و «آدم‌برفی» (۱۳۷۶) هر یک بیشتر از ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب داشته‌اند که با در نظر گرفتن میزان تورم، بازگشت رضا عطاران است؛ با نام این بازیگر شناخته‌شده و البته خوش‌کیفیت در برخی از کارها و کارنامه روشن کارگردانی در سریال‌های دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ تلویزیون، سعی در جذب کردن مخاطب دارند.

اما مخاطب با یک فیلم کاملاً عادی نه‌چندان خنده‌دار مواجه می‌شود، بیشتر از اینکه محتوا و هنرمندی بازیگران و کارگردانش سر و صدا کند کاتال‌های مجازی که مأمور به وایرال کردن این فیلم و خیر رکوردشکنی‌اش در آغاز راه اکران‌هایش بودند سروصدا کردند و این عملکرد حکایت همان متمرکز شددان و مخاطب هیچ این پروپاگانداها با خود می‌گفتند چون رضا عطاران بازیگر این فیلم است حتما

در چهره او پیدا کرد. این همان نارضایتی است که در جریان تماشاش و دنبال کردن «دفتر یادداشت» هم می‌توان به آن رسید؛ پلنترم پخش‌کننده آمار پخش قسمت اول و دوم را با عنوان رکوردشکنی در نمایش خانگی اعلام می‌کند و کانال‌های مجازی مأمور به پروپاگاندای «ویلای ساحلی» هم همین سیاست را دنبال می‌کنند، در هر دوی این آثار رضا عطاران نقش محوری دارد و بهترین زمان تبلیغ و پول درآوردن است. پول درآوردن به‌وسیله فریب مخاطب؛ در بلیوردهای شهری تصاویر گسترده‌ای از رضا عطاران را که مردم با کارهای او خاطره دارند، نصب کنیم اما این رضا عطاران آن رضا عطاران نیست و فیلم‌ها هم همان رنگ و بوی جذابیت گذشته را ندارد. به‌نظر می‌رسد پای یک نوع تبلیغ صرف برای پیشبرد اهداف تجاری سرمایه‌گذاران این آثار نمایشی در میان است و اینجا کسی به مخاطب توجه نمی‌کند.

جایی جواد عزتی ابزار می‌شود تا «زخم‌کاری» دیده شود، سالها قبل جایی محمدرضا گلزار برای فیلم «شام عروسی» و حالا نوبت به رضا عطاران گیشه‌دار سابق سینما رسیده است که این روزها کمتر توانسته است از خودش نقش متفاوت و کار جذاب‌تری ارائه دهد، مخاطبان هم با اثر جدید او در نمایش خانگی و «ویلای ساحلی» سینما همچون قبل نمی‌دندند، زائر هر دو اثر هم کمدی اعلام شده است؛ یکی کمدی جنایی و دیگری کمدی اجتماعی، اما مخاطب میان هیاهوی رسانه‌ای گرفتار می‌شود و به تماشای این آثار می‌نشیند و اتفاق ویژه و جدیدی را نمی‌بیند.

این توهین به حقوق معنوی و مادی مخاطبان است که باید هرچه زودتر برای آن چاره‌ای اندیشید؛ احتمالاً استفاده از بازیگران سرشناس و محبوب مردم قرار است لمبه‌ای برای پیشبرد اهداف تجاری و سرمایه‌سالاری عده‌ای شود که می‌خواهند از این روزهایی که تنها تفریح مردم سینما و تماشای سریال‌های خانگی باشد کمال بهره را ببرند. ویلای ساحلی داستان خانواده‌ای روستایی را روایت می‌کند که به‌عنوان سرایدار قرار است برای ۶ ماه از یک ویلا نگهداری کنند. چاوش، صاحب ویلا، قرار است برای دانشگاه رفتن دخترش ۶ ماه در خارج از ایران زندگی کند و ویلا را به یونس (پژمان جمشیدی) و همسرش (ریمای رامین‌فر) می‌سپارد و آن‌ها با ۳ فرزندشان به ویلا نقل مکان می‌کنند، اما برادر زن یونس (رضا عطاران) با ورود به خانه داستان‌هایی را رقم می‌زند.

هستیم.

علی گودرزی، مدیرکل برنامه و بودجه بنیاد شهید و امور ایثارگران به ارائه گزارشی از بودجه برنامه هفتم توسعه پرداخت و گفت:



گزارش عملکرد می‌دهد با دستگاهی که همزمان ارائه نمی‌دهد تفاوت قائل بود. امیر وجدانی‌نیا، مدیرکل زیرخانه شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت به اهمیت حوزه فرهنگ اشاره کرد و اظهار داشت: یک درصد بودجه برای فرهنگ توسط دستگاه‌ها درنظر گرفته شده است و باید با مدیریت جلوی بی‌پندوباری فرهنگی گرفته شود، شهرهای ما نیازمند هستند که روح فرهنگ ایثار و شهادت در آن دمیده شود و به فضل شهدا شاهد توفیقاتی در این زمینه

قاضی زاده: ۴۰ درصد دانشجویان ممتاز از جامعه ایثارگری است



دوره خود ظلم‌ستیز بوده است و این توقع از شما می‌رود ضمن اینکه راه پدران‌تان را طی می‌کنید، حضورتان را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حفظ کنید.

شما دانشجویان به قول شهید بهشتی، مؤذن جامعه هستید و مؤذن اگر خواب بماند نماز امت قضا می‌شود. مؤذن دیده‌بانی و آگاهسازی می‌کند و پیشرو است. دانشجو در

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۳۱۷

۲۰ آذر ماه ۱۴۰۲ / با ما همراه شوید

www.serajonline.com - @serajname

فرهنگ و هنر

۵

تلاش فرزندان شهدا برای تصویب قوانین ایثارگران در برنامه هفتم توسعه چه نتایجی داشت؟



برنامه هفتم توسعه درمورد خانواده شهدا گفت: پس از هشت ماه رایزنی فشرده مسئولین کانون همبستگی فرزندان شاهد با نمایندگان مجلس و اطلاع رسانی گروه‌های ایثارگری، تمام قوانین و مقرراتی که در برنامه ششم پیش بینی شده بود، در برنامه هفتم توسعه به تصویب مجلس رسید. خوشبختانه مشکلات روزمره و مهم مربوط به خانواده شهدا که خلأن در برنامه هفتم حس می‌شد به تصویب رسید. موضوعاتی مثل درمان و معیشت خانواده شهدا و ایثارگران، فرزندان شهدایی که مشکلات صعب العلاج دارند، تبدیل وضعیت ایثارگران، بحث ایثارگران جبهه مقاومت، خانواده شهدای خارجی، اشتغال ایثارگران، بیمه و مالیات مربوط به خانواده شهدا و موضوعات مختلفی که مربوط به امور درمانی و معیشتی می‌شد، در برنامه ششم دیده شده بود که همه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به برنامه هفتم توسعه هم اضافه شد. البته تمام موارد پیشیندازی تصویب نشد. مدیر عامل کانون همبستگی فرزندان شهدا در این باره گفت: موضوعات دیگری هم

مدیر عامل کانون همبستگی فرزندان شاهد کشور گفت: به همت تشکیل‌های فرزندان شهدا و پیگیری فعالین و دلسوزان در این عرصه، اتفاقات خوبی رقم خورد و قوانین مورد نیاز ایثارگران وارد برنامه هفتم توسعه شد. جندی پیش بود که از اتفاقات و تلاش‌های صورت گرفته توسط بیش از ۲۲ شکل فرزندان شاهد در سراسر کشور برای تصویب قوانین ایثارگران و خانواده شهدا در برنامه هفتم توسعه گفتیم. توافقاتی که اعضای کانون همبستگی فرزندان شاهد با بیش از ۸ ماه رایزنی فشرده با نمایندگان مجلس تلاش کردند تا آن را به نتیجه برسانند. تلاش‌هایی که با کارشکنی برخی مسئولین هم همراه بود. اما اتفاقات خوبی که با تصویب قوانین مهم مربوط به خانواده شهدا در برنامه هفتم توسعه افتاد نشان داد تلاش‌های تشکل‌ها نتیجه بخش بوده و این موفقیت چشمگیر همیشه جزو نتایج درخشان تلاش دسته جمعی افتاد مردمی و گروه‌های ایثارگری برای تحقق مطالباتشان خواهد بود.

با حسین عامریان مدیر عامل کانون همبستگی فرزندان شاهد کشور درباره نتایج تلاش‌های کانون در تحقق مطالبات خانواده شهدا و قوانینی که در برنامه هفتم به تصویب رسید گفتگو کردیم. کانون همبستگی فرزندان شاهد کشور اتحادیه‌ای از تشکل‌های فرزندان شهدا در سراسر کشور است. اکنون ۲۲ تشکل از استان‌های مختلف کشور عضو آن هستند.

حسین عامریان فرزند شهید محمد علی عامریان مدیر عامل کانون در گفتگو با تسنیم سخن را از همکاری نهادهای متولی ایثارگران در زمینه پیگیری قوانین آغاز کرد و گفت: متأسفانه بنیاد شهید در ارائه برنامه هفتم توسعه کلاً خانواده شهدا و ایثارگران را ندید و این جای تعجب داشت. متولی این کار بنیاد شهید بود و شاید بخش‌های دیگر دولت به این موضوع تخصصی ورود نداشته است. وی افزود: پناهه غریق‌بال قبول بنیاد شهید این بود که می‌توانست قانون جدیدی بیاوریم و به تصویب برسانیم و به این پناهه می‌خواستند که قوانین و مقرراتی که مربوط به خانواده شهدا دربرنامه ششم آورده شده و جزو حقوق مکشوبه اینها را، حذف کنند. همه می‌دانند ارائه لایحه که هنوز تدوین آن شروع نشده، تصویب آن در مجلس و تایید شورای نگهبان دو سه سال طول می‌کشد و در صورت توجه به تصویب جداگانه قوانین، معلوم نبود چه کسی جوابگوی مسائل و مشکلات مربوط به خانواده شهدا می‌شد که در برنامه ششم پیش

بینی شده اما در برنامه هفتم نبوده است. او در ادامه از تلاش کانون همبستگی گفت: بعد از اینکه این کوتاهی صورت گرفت از زمانی که لایحه دولت ارائه شد، کانون همبستگی فرزندان شاهد با تشکل‌هایی که در سراسر کشور عضو آن هستند و همچنین فعالین و دلسوزان فرزندان شهدا شروع کردند به رایزنی با نمایندگان مجلس و آنها را در خصوص اتفاق رخ داده، آگاه کردند. می‌بایست یک اطلاع رسانی گسترده صورت می‌گرفت. متأسفانه بنیاد شهید برعکس این جریان آگاه سازی که فرزندان شهدا و ایثارگران آن را هدایت می‌کردند، اقدام کرد. مسئولین بنیاد تبلیغ، گفتگو و تلاش می‌کردند تا با پافشاری بر موضع اشتباه، کوتاهی خود در این زمینه را توجیه کنند. عامریان نتیجه خود را این زمینه را امیدبخش دانست و از مصوبات این پیگیری‌ها را امیدبخش دانست و از مصوبات

معرفی کتاب «ترسناک‌ترین کاری که تا حالا انجام دادی چه بوده؟»

را نگیرد و بتوانی گوی بروی، با هشت قدم می‌رسی به آن طرفش- نویسنده در مورد داستان این کتاب و شیوهٔ روایت آن گفته است: «در طول کتاب، شاهد سه روایت هم‌زمان از یک رویداد هستیم؛ نگاه و روایت اول، زاویه دید رای‌است، رای‌وی قهرمان داستان است که کودکی نابیناست و درک و دریافتش از فضای پیرامون خود را بدون آن‌که هرگز تجربه دیدن داشته باشد در قالب روایت کلامی به مخاطب ارائه می‌دهد.

نگاه و روایت دوم به‌واقع تاریکی است که قهرمان داستان از تماشای جهان نصیبش شده. تلاش کردیم آنچه را که یک انسان نابینا امکان دارد به نوعی بیننده آن باشد یا حس کند که می‌بیند شبیه‌سازی کنیم.

روایت سوم تصاویر کتاب است که از زاویه دید دانای کل به تصویر کشیده می‌شوند که البته بنا به‌ضرورت داستانی گاهی تبدیل به نگاه از زاویه مادر و پزشک و در نهایت از زاویه دید قهرمان داستان می‌شود که بالاخره سلامتی چشمانش را بعد از پیوند قرنیته به دست می‌آورد.»

تصویرگر کتاب سعی کرده در صفحات راست تمام صفحات روبه‌رو، دنیای تاریکی را که شخص نابینا با آن درگیر است به تصویر بکشد و از این طریق نوعی سم همدلی، پذیرش دیگری و درک متقابل را در مخاطب کتاب، برانگیزد.

کودک با شمارش تعداد قدم‌هایش همه جا را بدون دیدن می‌شناسد و می‌داند باید کجا برود و چه کار کند؛ این خیالان را خوب می‌شناسم. بیست و شش قدم مورچ‌های دارد تا آن طرفش. اگر قدم خیلی برداری، شانزده قدم می‌شود. اگر کسی دستت

دادی چه بوده؟»

نویسندهٔ کتاب «ترسناک‌ترین کاری که تا حالا انجام دادی چه بوده؟» در کنار موضوع محوری و اصلی این اثر که پرداختن به مشکلات کودکان نابیناست، یکی از اهداف خود را از نگارش این داستان به چالش کشیدن ترس‌های آدمی که در زندگی مانع موفقیت می شوند می‌داند. کودکان با نوجوانان با نیازهای ویژه یا محدودیت‌های حسی، حرکتی و ... بخش مهمی از جامعهٔ کودک و نوجوان کشور را تشکیل می‌دهند که متأسفانه در کتاب‌های شعر و داستان کمتر به آن‌ها پرداخته شده و مسائل و مشکلاتشان آن‌گونه که باید و شاید مورد بررسی قرار نگرفته است. نویسندگان و شاعران ما هم کمتر در آثار خود به مسائل و مشکلات خاص آن‌ها پرداخته‌اند. به دلیل آسیب پذیر بودن این قشر، توجه به نیازها، محدودیت‌ها، ترس ها، علائق و ... آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کتاب «ترسناک‌ترین کاری که تا حالا انجام دادی چه بوده؟» نوشته «سولماز خواجه‌وند» یکی از آثار ارزشمندی است که در این حوزه و با همین رویکرد خلق شده است. این کتاب داستانی زیبا و تاثیرگذار درباره ترس یک پسربرچه است. کودکِ نابینا که جراحی پیوند قرنیته نداشته است و قرار است با مادرش به دکتر بروند. قرار است دکتر پانسمان چشم او را باز کند تا بتواند ببیند. حالا می‌ترسد از دنیای تاریکش بیرون بیاید.

کودک با شمارش تعداد قدم‌هایش همه جا را بدون دیدن می‌شناسد و می‌داند باید کجا برود و چه کار کند؛

این خیالان را خوب می‌شناسم. بیست و شش قدم مورچ‌های دارد تا آن طرفش. اگر قدم خیلی برداری، شانزده قدم می‌شود. اگر کسی دستت